

شکار هیولا

محمد سرشار

www.ketab.ir

شکار هیولا

نویسنده: محمد سرشار ویراستار: محمدرضا سرشار
 صفحه آرا: محمدرزفیف اسحاق زاده ناشر: دفتر نشر معارف
 (وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها)
 نوبت چاپ: هفتم ۱۴۰۳ شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
 شابک: ۹۶۶-۵۵۱-۹۶۴-۹۷۸ قیمت: ۱۵۵۰۰۰ تومان

سرشناسه: سرشار، محمد، ۱۳۶۰ - عنوان و نام پدیدآور: شکار هیولا/ محمد سرشار؛
 ویراستار محمدرضا سرشار، مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در
 دانشگاهها، دفتر نشر معارف، مشخصات ظاهری: ۲۲۲ ص. شابک: ۹۶۶-۵۵۱-۹۶۴-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا موضوع: آر-کیو ۱۷۰ سنتینل (پهپاد) -- داستان
 موضوع: Fiction IV--RQ: Sentinel (Drone aircraft) موضوع: داستانهای فارسی -- قرن ۱۴ موضوع:
 Persian fiction -- ۲۰th century شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف
 رده بندی کنگره: PIRA.۹۵ رده بندی دیویی: فا ۲۶/۳ شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۰۸۰۶۹۴

دفتر نشر معارف قم، خیابان شهید مطهری، شماره ۳، تلفن و نمابر: ۰۵۱-۳۷۷۴۰۰۴، مدیریت
 پخش (مرکزی) قم، پسرکنت باغیچک کتاب، تلفکس: ۰۵۱-۳۱۰۷۷

مراکز پخش

- اراک: ۰۸۶-۲۲۲۲۹۰۳۸ ■ ارومیه: ۰۹۱۴-۶۰۲۸۷۸۴ ■ اصفهان: ۰۵۱-۸۰۳۵۰۹۸ ■ اهواز: ۰۶۱-۲۲۲۲۸۰۰۰
- بابل: ۰۱۱-۳۵۲۰۵۲۵۵ ■ بجنورد: ۰۵۸-۲۲۲۵۶۲۲۱ ■ بوردسکن: ۰۵۱-۵۵۴۳۰۱۲۱
- بندرعباس: ۰۷۶-۲۳۶۱۷۵۵۷ ■ بیرجند: ۰۵۶-۲۲۴۵۸۵۱۲ ■ تربت حیدریه: ۰۵۱-۵۲۲۸۶۵۰۰۰ ■ تهران: ۰۲۱-۸۸۹۱۱۲۱۲
- تهران شهید محلاتی: ۰۲۱-۲۲۴۵۸۸۰۶ ■ دهدشت: ۰۹۱۷-۶۶۳۵۸۱۶ ■ رشت: ۰۱۴-۲۲۲۴۴۵۶۹ ■ زاهدان: ۰۵۴-۲۲۲۲۸۸۷۹
- زنجان: ۰۲۴-۲۲۲۶۶۴۲۵ ■ ساری: ۰۱۱-۲۲۲۵۳۰۲۰ ■ سبزوار: ۰۵۱-۴۴۲۴۰۰۴ ■ سلطان: ۰۲۳-۲۲۴۵۳۲۱۱ ■ شیراز: ۰۷۱-۲۲۲۴۴۶۹۱۴
- قزوین: ۰۲۸-۲۲۲۴۰۰۷۶ ■ قم صفائیه: ۰۲۵-۲۷۷۲۵۰۰۳ ■ قم پردیسان: ۰۹۱۹-۰۵۰۹۸۹۱
- کازرون: ۰۹۱۷-۶۸۱۲۰۸۲ ■ کرمان: ۰۳-۲۲۲۴۱۶۶۶ ■ کرمانشاه: ۰۸۲-۲۷۲۲۸۴۱۱ ■ گرگان: ۰۱۷-۲۲۲۲۷۸۸۰
- مشهد شعبه ۱: ۰۵۱-۲۲۲۲۰۱۱۹ ■ مشهد شعبه ۲: ۰۵۱-۱۳۶۰۶۰۸۱۱ ■ مشهد شعبه ۳: ۰۵۱-۲۸۵۵۸۰۱۲
- ملایر: ۰۸۱-۲۲۲۵۱۲۷۶ ■ مهاباد: ۰۹۱۷-۰۶۱۷۷۶۲ ■ نیریز: ۰۷۱-۵۲۸۲۱۶۰ ■ همدان: ۰۹۱۸-۸۱۵۶۱۸
- یاسوج: ۰۷۴-۲۲۲۲۸۶۲۲ ■ یزد: ۰۳۵-۲۷۲۲۲۹۵۰

حق چاپ و نشر این اثر برای نشر معارف محفوظ است. آ نقل بخش هایی از متن،
 با ذکر منبع بلامانع است.



www.nashremaaref.ir
 E-mail: info@nashremaaref.ir
 @NashreMaaref_official



فهرست

- ۹ یادداشت اختصاصی آقای آرکیو-۱۷۰ برای خوانندگان
- ۱۳
- ۱۷ آسمان این قله‌ها
- ۴۱ مأموریت شکستن شیشه‌های مرشدستان
- ۷۳ شکار هیولا
- ۸۹ مقاومت زیر شکنجه
- ۱۱۱ فرار از چنگال دشمن
- ۱۴۶ تکه گمشده زندگی
- ۱۹۱ بازگشت به خانه
- ۲۱۹ عکس‌ها

...

یادداشت اختصاصی آقای آرکیو ۱۷۰ برای خوانندگان

من «سنتینل آرکیو ۱۷۰» لاکهید مارتین^۱ هستم. در بین خانواده‌مان مرا به نام «آرکیو ۱۷۰» می‌نامند اما دوستانم به شوخی مرا «بیست» صدا می‌کنند. چون در برابر جثه کوچک خانواده و دوستان، هیکل درشتی دارم و یک «هیولا»^۲ به نظر می‌آیم!

من و بهترین دوستم «اسکن ایگل اینسیتو بوئینگ»^۲ در همان دوران نوجوانی تصمیم گرفتیم از زندگی لوکس و مرفه خانواده‌های بلیونرمان جدا شویم و با ورود به دنیای پر رمز و راز جاسوسی، مزه هیجان واقعی را بچشیم.

همین شد که در گرمای اول سپتامبر ۲۰۰۵ به استخدام «آژانس مرکزی اطلاعات (سیا)» ایالات متحده آمریکا درآمدیم. طبیعتاً شهرت و نفوذ خانوادگی هر دوی ما در ترکیب با استعداد

1. Beast.

2. ScanEagle Insitu Boeing.

فوق‌العاده‌مان باعث شد به سرعت مسیر ارتقای درجه را طی کنیم و تا سال ۲۰۱۰، به جاسوسان عالی‌رتبه قویترین ابرقدرت جهان تبدیل شویم.

این کتاب، خاطرات من از سه سالی است که برای همیشه زندگی مرا زیر و رو کرد؛ «باراک اوباما» رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا را مقابل آیت‌الله «علی خامنه‌ای» رهبر عالی جمهوری اسلامی ایران قرار داد و مرا مشهورترین پهباد جهان ساخت.

شاید تعجب کنید؛ اما من بعد از به شهرت رسیدن از رسانه‌ها فراری بودم! تا مدت‌ها درگیر درمان بیماری‌های طاقت‌فرسای ناشی از فرآیند وحشیانه «شستشوی عمیق مغزی»^۱ سیا بودم و پس از بهبودی نسبی، همراه همسر عزیزم «اسپوکی»، به قاره آفریقا مهاجرت کردم تا عمل راوقف آگاه‌سازی همگانی، توسعه کشاورزی صنعتی و ریشه‌کنی فقر در آنجا کنم.

نوشتن این کتاب مدیون پیگیری‌ها و پشتکار مثال‌زدنی آقای محمد سرشار است. اصرار این نویسنده جوان و سفرهای طولانی‌اش به اقامتگاه ما در کشور نیجریه، بالاخره مرا قانع کرد تا جلوی بنشینم و برای اولین بار، خاطرات این سه سال را بگویم. خاطرات شگفت‌انگیزی که مطمئن هستم به جز چند خط آن، بقیه‌اش را هرگز ننشیده‌اید.

از همسرم اسپوکی که در این سال‌های پر ماجرا همراه همیشگی

1. Deep Brain Washing.

من بوده متشکرم. دختری یتیم اما قوی که مرا تشویق کرد و رنج‌های آن را به جان خرید تا من مشهورترین پهباد جهان بشوم. من دوست دارم این کتاب را به نوجوانان ایرانی تقدیم کنم. نوجوانان باهوشی که قدرت آنها را خودم به چشم دیده‌ام و به آن باور دارم و مطمئنم آینده جهان به دست آنها عوض خواهد شد.

به امید آن روز

سنتینل آرکیو ۱۷۰

www.ketab.ir

مقدمه

بدون شک نگارش کتابی که پیش روی شماست، یکی از سخت‌ترین کتاب‌های تاریخ شماهی ایران بوده است.

هرچند این کتاب مربوط به خاطرات آقای «سنتینل آرکیو ۱۷۰ لاکهید مارتین»^۱ در دوران مأموریتش در کشور افغانستان و سپس ماجراهای مربوط به مأموریت فوق‌سری‌اش در جاسوسی از تأسیسات هسته‌ای ایران است اما زندگی او پس از این ماجرا هم بسیار پرماجرا و تکان‌دهنده بوده است.

آرکیو ۱۷۰ پس از بازگشت به ایالات متحده آمریکا، سخت‌ترین بازجویی‌های سازمان سیا و سازمان اطلاعات ارتش آمریکا را تحمل کرد تا ثابت کند در عملیات‌های پیچیده وزارت اطلاعات ایران به جاسوس ایران تبدیل نشده است. نهایتاً نیز با فشار خانواده پرنفوذ «لاکهید مارتین»، سازمان سیا به شرطی با

1. Sentinel RQ170 Lockheed Martin.

استعفای آرکیو ۱۷۰ از سیا موافقت کرد که حافظه او طی فرآیندی پنج لایه کاملاً پاک شود و حسگرها و اندام حساس بدنش، جدا گردند.

درواقع سیا برای اینکه تحت فشار خانواده پرنفوذ لاکهیدمارتین نمی‌توانست جاسوس ارشد خودش را بکشد، شرایطی را تعیین کرد تا با عمیق‌ترین شستشوی مغزی ممکن، عملاً جسم نیمه‌جان او از سیا خارج شود.

این دستکاری‌های گسترده نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، شوک‌های الکتریکی بسیار قوی و جراحی‌های گسترده برای برداشتن اندام‌های حساس بدن، آرکیو ۱۷۰ را به حال مرگ انداخت و اگر مراقبت‌های همسر مسرویش خانم اسپوکی و مهارت مهندسان ایرانی در پیوندهای موفق اندام بدنش نبود، قطعاً آرکیو ۱۷۰ زنده نمی‌ماند تا من بتوانم خاطراتش را تدوین کنم و پیش روی شما بگذارم.

در یکی از دیدارهایی که در شهر «زاریا»ی کشور نیجریه برای ضبط این خاطرات داشتیم، خانم اسپوکی گفت: هرچند خودم فرزندی ندارم اما زنی بوده‌ام که برای شوهرم مادری کرده‌ام.

اما این، همه ماجرا نبود. پس از مهاجرت آرکیو ۱۷۰ و همسرش به آفریقا، «آژانس امنیت ملی»^۱ آمریکا ایشان را به عنوان یکی

1. NSA: National Security Agency.

از اهداف سطح قرمز سیستم هوشمند جاسوسی «اشلون»^۱ در سطح جهان نشان‌گذاری کرد. به‌گونه‌ای که هر تماس تلفنی، پستی یا اینترنتی با ایشان، فرد تماس‌گیرنده را به فهرست افراد پرخطر برای ایالات متحده می‌افزود.

من وقتی متوجه این ماجرا شدم که نخستین ایمیل من به ایشان هرگز به دستش نرسید و در عرض دو ساعت، همهٔ اطلاعات لپتاپ شخصی‌ام توسط هکرهای وابسته به سیا، دزدیده شد. باید اعتراف کنم اگر کمک ارتش سایبری ایران و حمایت‌های بعدی آنها از من در مقابل هکرهای سیا نبود، نگارش این کتاب ممکن نمی‌شد.

اما دشواری اصلی ثبت خاطرات آرکیو در این بود که ایشان همهٔ حافظه خود را در پنج لایه از دست داده بودند و من، تدوینگر خاطرات کسی بودم که هیچ چیز را تا لحظه خروجش از آمریکا، به یاد نداشت!

در واقع فرمان سرّی باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا، برای حذف همهٔ این ماجرا از حافظه دیجیتال جهان، مسأله را برای من به عنوان پژوهشگر تاریخ، بسیار پیچیده کرده بود و به‌جز منابع چاپی که از دسترس نیروهای امنیتی آمریکا به دور مانده بود و اطلاعاتی که برخی از نیروهای پایگاه سری هوافضای شیراز در اختیارم گذاشتند، چیز دیگری در دست نداشتم.

در اینجا باید از فرمانده وقت نیروی هوافضای سپاه تشکر کنم که پس از درخواست نگارنده، به آرشیو طبقه‌بندی‌شده این نیرو دستور داد یک نسخه از حافظه آرکیو ۱۷۰ را کپی کنند و به او هدیه دهند. بدین ترتیب آقای سنتینل آرکیو ۱۷۰ لاکهیدمارتین همهٔ خاطراتش را از کودکی تا لحظه خروج از ایران بازیافت.

آشنایی آرکیو ۱۷۰ با زبان فارسی کمک بزرگی به من در مصاحبه‌های شفاهی بود. اما استفاده بسیار زیاد ایشان از اصطلاحات تخصصی هوانوردی، نظامی و جاسوسی، موجب شده علی‌رغم اهتمام نگارنده به یادداشت زبان فارسی، از واژه‌های انگلیسی در این کتاب زیاد استفاده شود که بابت آن، پیشاپیش از خوانندگان عزیز عذرخواهی می‌کنم.

محمد سرشار